

بازگشایی مدرسه‌ها و کلاس اولی‌ها

با دانش‌آموز کمک کند. شرکت در بازی‌ها، به‌خصوص، بازی‌های نمایشی با شاگردان نقش زیادی در کوتاه کردن فاصله‌ی میان او و شاگردان دارد.

● بسنده کردن صرف به آموزش رسمی ممکن است فرصت کافی برای بروز خلاقیت‌های بالقوه‌ی دانش‌آموزان را فراهم نکند. از این رو، تحقیق و مطالعه‌ی فردی آموزگار می‌تواند چشم‌اندازهای جدیدی را فرا روی او قرار دهد.

● معلم کلاس اول حتماً باید از میان آموزگارهای خانم انتخاب شود. از آنجا که دور شدن از مادر یکی از عوامل اضطراب کودک است، آموزگار خانم می‌تواند جایگزین مناسبی برای مادر در مدرسه باشد.

● اولی‌ها بهتر است سال تحصیلی را با زندگی شروع کنند و شعارهای زندگی‌آفرین سر بدهند.

● برنامه‌ریزی‌های آموزشی، طوری باید طراحی و تدوین شوند که به جای رقابت که منشأ حسادت، تنگ‌نظری، و بغض و کینه میان بچه‌ها می‌شود، محبت به یکدیگر و هم‌دلی، جوانمردی، گذشت و غم‌خواری بین آن‌ها به‌وجود آید. تفاوت و قصه در گسترش و ترویج خصلت‌های انسانی از قابلیت بالایی برخوردارند.

● آنچه در آموزش و پرورش خلاق به کودکان آموزش داده می‌شود، بیشتر آموزش مهارت‌های زندگی و آماده کردن دانش‌آموز به‌عنوان شهروند موفق و به‌خصوص کارآمد و مؤثر در خانه و اجتماع است.

● در برنامه‌ریزی‌های درسی و آموزشی، به نقش آموزش و کاربردهای هنر مانند تئاتر، موسیقی، سینما و قصه و هنرهای دستی باید اهمیت و بها داده شود. کارشناسان تعلیم و تربیت بر این باورند که اگر آموزش با بازی همراه شود، درک مفاهیم آموزشی آسان‌تر می‌شود. ■

باز هم با پایان فصل تابستان مدرسه‌ها چشم به در دوخته‌اند تا سال تحصیلی جدید را همراه با دانش‌آموزان آغاز کنند. با آغاز سال تحصیلی در اول مهر، میلیون‌ها دانش‌آموز به شوق آموختن روانه‌ی مدرسه می‌شوند. روزهای آغازین مدرسه از چند نظر اهمیت دارد. ایجاد نگرش‌های مثبت و پویا در دانش‌آموزان، تقویت انگیزه‌ی تلاش و تحصیل، کاهش دغدغه، اضطراب و تردید، زدودن هرگونه بدبینی نسبت به درس و مدرسه و کلاس و معلم، و سرانجام، آشنایی با شخصیت و دیدگاه‌های دانش‌آموزان می‌تواند در روزهای اول مدرسه صورت پذیرد.

شوند. در شرایط کنونی، در بسیاری از مدرسه‌های ما، معلم کلاس اول با نظر و سلیقه‌ی مدیر انتخاب می‌شود و ممکن است خود آموزگار منتخب این پایه‌ی تحصیلی هیچ اراده‌ای در تعیین پایه‌ی تدریس نداشته باشد.

● در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته پایه‌ی اول ابتدایی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در این کشورها، اداره‌ی کلاس اول فقط به کسانی سپرده می‌شود که در دانش‌سراهای تربیت‌معلم تحصیل کرده باشند و گرایش تحصیلی آن‌ها، تدریس در پایه‌ی اول ابتدایی باشد.

● روان‌شناسی هفت سالگی بر این باور است که آموزگار پایه‌ی اول باید صبور، با گذشت، مهربان، با تجربه، جست‌وجوگر و فروتن باشد و از خود رفتاری نامدبرانه به نمایش نگذارد. او باید با روان‌شناسی، خصوصیات فردی و نیازهای شاگردان خود آشنایی کافی داشته باشد.

● آموزگار پایه‌ی اول ابتدایی باید برای هر یک از شاگردان خود به‌طور جدی پرونده‌ای محرمانه از روحیه‌ها، رفتارها، خانواده‌ها و ویژگی‌های فردی او داشته باشد و بر اساس این ویژگی‌ها، ارتباط عاطفی و آموزشی‌اش را با او تنظیم کند.

● انتقال این پرونده‌ها به معلم کلاس دوم می‌تواند به او نیز در تنظیم روابطش

دوره‌ی دبستان از جهت تعلیم و تربیت، بهترین دوران است. در این دوره، کودک ویژگی‌های روانی و آمادگی کاملی برای تربیت‌پذیری و ادب‌آموزی دارد. آموزش رسمی کودک از این مرحله آغاز می‌شود. این دوران تلاشی را که بهترین فرصت برای تعلیم و تربیت کودک است، نباید به سادگی از دست داد.

اولین برخورد معلم با دانش‌آموزان مهم‌ترین تأثیر را در شکل‌گیری شخصیت آموزشی و تربیتی او دارد. اگر این برخورد مهربانانه و همراه با تبسم و خوش‌رویی باشد، دانش‌آموز به درس و مدرسه و معلم علاقه‌مند می‌شود. معلم توانا و دلسوز به‌خوبی می‌داند که هرگونه تهدید، تحقیر و تنبیه، اضطراب بچه‌ها را بیشتر می‌کند و در عوض چهره‌ی گشاده و متبسم معلم، صدای آرام و جملات دل‌نشین و اطمینان‌بخش او، می‌تواند اضطراب آن‌ها را کاهش دهد و اعتماد به نفسشان را تقویت کند.

● از آنجا که بخش قابل توجهی از ساختار روانی و شخصیت فردی و اجتماعی انسان در کلاس اول ابتدایی شکل می‌گیرد، باید در انتخاب آموزگاران پایه‌ی اول حساسیت و دقت بیشتری به خرج داده شود. حتی بهتر است این حساسیت‌ها و ویژگی‌ها قانونمند